

بررسی راههای بهبود مناسبات خانه و مدرسه از دیدگاه آموزگاران

دکتر سعید رجائی پور*، ابوالقاسم فرهنگ**،

تقی آقا حسینینی*** و حسن قلاوندی****

چکیده

هدف مقاله ی حاضر، بررسی راههای بهبود مناسبات خانه و مدرسه از دیدگاه آموزگاران مدارس ابتدایی است. روش این پژوهش توصیفی- پیمایشی می باشد. نمونه ی آماری شامل ۴۲۰ آموزگار بوده است ابزار تحقیق پرسشنامه ی محقق ساخته و دارای ۳۶ سؤال بوده است.

یافته های تحقیق بیانگر این است که از نظر آموزگاران ویژگی های شخصی مدیران از قبیل داشتن ظاهری آراسته، مشهور بودن به حسن خلق، برخورد با ارباب رجوع با خوشرویی و رعایت عدالت در برخورد با افراد مختلف در بهبود رابطه ی خانه و مدرسه تأثیر دارد. همچنین مهارتهای فنی مدیر، شامل آشنایی مدیر با امور اداری مدرسه، نظارت صحیح بر امور مالی، ارتباط با آموزگاران و اولیا را جزو وظایف حرفه ای دانستن، در بهبود رابطه ی خانه و مدرسه تأثیر دارد. همچنین مهارت های انسانی مدیر و مهارت های ادراکی مدیر در بهبود مناسبات خانه و مدرسه تأثیر دآرد. پاسخگویان با هر سطح از تحصیلات و هر سابقه ی کاری تأثیر ویژگی های شخصی، مهارت های فنی، مهارت های انسانی و مهارت های ادراکی مدیران را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه مؤثر دانسته اند.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصی، مهارت‌های فنی، مهارت‌های ادراکی، مهارت‌های انسانی، انجمن اولیا و مربیان.



○ مقدمه

رابطه‌ی خانه و مدرسه تعاملی دو طرفه است. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی‌کند و وجود والدین توانا نیز نمی‌تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد در یک برنامه‌ی منسجم می‌تواند ثمربخش باشد و مانع بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی گردد (هوشمند، ۱۳۸۳). در هر جامعه مدرسه بعد از خانواده مهم‌ترین کانون تعلیم و تربیت به شمار می‌رود جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ جزو کارکردهای مدرسه محسوب می‌شوند اما، برای موفقیت مدارس در امر تعلیم و تربیت همکاری و هماهنگی بین دو نهاد خانه و مدرسه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. ضرورت مشارکت اولیاء باعث گردیده است که بسیاری از نظام‌های آموزش دنیا قوانینی را برای سهولت در فرایند مشارکت همه‌ی آحاد جامعه در آموزش و پرورش تصویب نمایند (مهدیانی خطبه سرا، ۱۳۸۲).

ایپسین^۱ پنج مدل از همکاری والدین در مدرسه را شرح داده است: مدل اول، وظایف والدین را در حد تدرستی و آمادگی عمومی کودکان برای ورود به مدرسه می‌داند. در مدل دوم مدرسه متعهد می‌شود که والدین را از فعالیت‌ها و احتیاجات مدرسه و همچنین پیشرفت دانش‌آموزان آگاه سازد. در مدل سوم فرصتی را به وجود می‌آورد تا والدین مشتاقانه در مدرسه حضور یابند. در چهارمین مدل والدین به فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کنند و در پنجمین مدل، والدین به صورت مؤثر در تصمیمات مدرسه مشارکت می‌کنند. ایپسین دویور در سال ۱۹۹۱ همچنین نشان دادند که هر پنج نوع مشارکت در مدارس متوسطه و ابتدایی شهری و روستایی به طور نسبی با هم همبستگی بین ۰/۳۰ تا ۰/۵۷ دارند (علی‌نقی‌پور، ۱۳۸۲).

یکی از عوامل مؤثر در مشارکت، بالا بردن آگاهی مردم از مسائل آموزش و پرورش از طریق شرکت آنان در انجمن اولیاء و مربیان می باشد (سعیدی، ۱۳۸۰). پال هرسی معتقد است که در کار رهبری مدرسه سه مهارت کلی وجود دارد ۱- تشخیص ۲- تطابق ۳- برقراری ارتباط (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۱)

نتایج تحقیقی که تحت عنوان همکاری بین خانه و مدرسه و بررسی اهمیت همکاری بین دانش آموزان و والدین و معلمان توسط کانایلا جانسون از دانشگاه کومیا (سوئد) در سال ۱۹۹۴ انجام شد؛ نشان داد که والدین می توانند به عنوان یک منبع ارزشمند در فرایند کار مدرسه مورد استفاده قرار گیرند که این استفاده نیز به سهولت می تواند انجام گیرد. این امر به وضوح نشان داده است که دانش آموزان، والدین و معلمان به طور خارق العاده ای نسبت به ایده ی همکاری اظهار تمایل نمودند و معلم به عنوان یک عامل کلیدی جهت تقویت این همکاری شناخته شد (جانسون، ۱۹۹۴).

پرتل محققى که ۱۳ سال در زمینه های انجمن های اولیاء و مربیان و کارایی آن در اروپا تحقیقات وسیعی انجام داده است و به نتایج قابل توجهی رسیده است؛ ضمن مصاحبه با اولیای دانش آموزان در مدارس مختلف سؤالاتی را در زمینه های زیر مطرح کرد:

۱) از انجمن اولیاء و مربیان چه انتظاری دارید؟ (۲) از معلم فرزند خود چه انتظاری دارید؟ (۳) در این جلسات چه عواملی باعث رضایت و خشنودی شما و چه عواملی موجب دلسردی شما از شرکت در این جلسات می شود؟ در پاسخ تعدادی از اولیاء، علاقمند به برقراری ارتباط صمیمی و بر اساس تفاهم و سعه صدر با مسؤولین آموزشگاه هستند و ترجیح می دهند در این جلسات دانش آموزان هم حضور داشته باشند (بازرگان، ۱۳۷۶).

تسکافن موران در پژوهشی که در زمینه ی همکاری و نیاز به اعتماد، روی ۸۹۸ نفر مدیر و معلم از ۴۵ مدرسه ابتدایی در غرب امریکا انجام گرفت دریافت که در مدارسی که اعتماد بیشتری وجود دارد؛ گرایش به سطح بالایی از همکاری نیز وجود دارد و همچنین همکاری دبیران و والدین با مدیر با میزان اعتماد مدیر به آنان بستگی دارد (علی نقی پور، ۱۳۸۲).

تحقیق دیگری تحت عنوان همکاری خانه و مدرسه بر اساس نظرات معلمین مدارس ابتدایی و مدیران توسط الحامد^۱ (۱۹۸۷) انجام شد؛ هدف اصلی این تحقیق بررسی چگونگی مشارکت والدین در امور مختلف مدارس بود. نتایج این تحقیق نشان داد که معلمین و مدیران مدارس ابتدایی موافقت خود را نسبت به ایفای نقش وسیعتر توسط والدین در مدارس اعلام داشتند، به شرط آن که در فعالیتهای آموزشی مشارکت نمایند.

در خصوص عوامل بازدارنده ی مشارکت والدین در امر مدرسه از نظر مدیران، والدین و معلمین تحقیق توسط مارگارت ریستافوردهام انجام گرفت. هدف این تحقیق بررسی و شناسایی عوامل بازدارنده ی مشارکت والدین در کودکان و کلاس اول ابتدایی بود. نتایج این تحقیق نشان داد که مشارکت والدین در مدرسه تأثیر بسزایی در فرایند تعلیم و تربیت کودک دارد. به طور کلی مدیران به عنوان عوامل بازدارنده در مشارکت تلقی نگردیدند. یکی از مشکلات اصلی تفاوت نظرات والدین و معلمین درباره ی نقش والدین در امور مدرسه و وظایف آنها در منزل بود. برای از بین بردن این عدم توافق تشکیل کارگاههای آموزشی مورد توجه قرار گرفت (شجاعی، ۱۳۷۵).

در تحقیقی که منصور استخری در سال ۵۱-۱۳۵۰ تحت عنوان بررسی روابط اولیای دانش آموزان و اولیای مدرسه در دبیرستان های تهران انجام داد، مشخص شد که اولیاء دانش آموزان دبیرستان های تهران همه ی مسؤولیت تحصیلی را متوجه مدرسه می دانند و برای رسیدگی به وضع تحصیلی فرزندانشان مسؤولیتی را متوجه خود نمی دانند یا آن را بسیار کم اهمیت تلقی می کنند. همچنین در این تحقیق مشخص شد که در رابطه با انجمن های خانه و مدرسه نوعی تشکیک و جدی نگرفتن کار مشهود است. در حالی که این انجمن ها می توانند رابطه ای صحیح و منطقی برای برقراری ارتباط اساسی بین مدرسه و اولیای دانش آموزان ایجاد کنند.

بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نظر معلمان درباره ی تأثیر ویژگی های شخصی، مهارت های انسانی، مهارت های فنی و مهارت های ادراکی مدیران مدارس ابتدایی در بهبود و اصلاح مناسبات بین خانه و مدرسه می باشد. بر این اساس فرضیه های زیر مورد بررسی گرفته اند:

^۱ -Alhomed

- ۱- از نظر آموزگاران ویژگی های شخصی مدیران مدارس ابتدایی موجب بهبود مناسبات خانه و مدرسه می شود.
- ۲- از نظر آموزگاران مهارت های فنی مدیران ابتدایی موجب بهبود مناسبات خانه و مدرسه می شود.
- ۳- از نظر آموزگاران مهارت های انسانی مدیران مدارس ابتدایی موجب بهبود مناسبات خانه و مدرسه می شود.
- ۴- از نظر آموزگاران مهارت های ادراکی مدیران مدارس ابتدایی موجب بهبود مناسبات خانه و مدرسه می شود.

° روش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه ی آماری این پژوهش را کلیه ی آموزگاران رسمی شاغل در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ تشکیل می دهد که تعداد آنها ۱۰۱۷۶ نفر بوده است. تعداد ۴۲۰ نفر از آنها به صورت خوشه ای - تصادفی انتخاب شدند.

ابزار تحقیق، پرسشنامه ی محقق ساخته بود که دارای ۳۶ سؤال است و بر اساس مقیاس پاسخ درجه ای لیکرت تنظیم شده است. روایی پرسشنامه به لحاظ محتوا تأمین شده است و اعتبار آن ۰/۹۰ به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از مجذور خی دو استفاده شده است.

° یافته ها

فرضیه ی اول: از دیدگاه آموزگاران ویژگی های شخصی مدیران مدارس ابتدایی در بهبود مناسبات بین خانه و مدرسه موثر است.

جدول ۱: نتایج آزمون χ^2 در ارتباط با فرض اول پژوهش

Sig.	df	χ^2	جمع	خ. زیاد	زیاد	کم	خ. کم	گزینه	فراوانی
۰/۰۰۱	۳	۱۴۱/۵۲	۴۰۵	۱۸۲	۱۲۹	۷۱	۲۳	فراوانی	
			۱۰۰	۴۴/۹۴	۳۱/۸۵	۱۷/۵۳	۵/۶۸	درصد	

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، ۲۳/۲۱ درصد پاسخگویان تأثیر ویژگی های شخصیتی مدیران را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه خیلی کم و کم توصیف نموده اند در صورتی که ۷۶/۷۹ درصد آنان تأثیر این عامل را در بهبود مناسبات زیاد و خیلی زیاد ابراز کرده اند. نتایج آزمون بیانگر این است که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار است ($\chi^2=141/5$, $df=3$, $P<0.01$). بنابراین می توان استنباط نمود که از نظر آموزگاران ویژگی های شخصیتی مدیران مدارس ابتدایی استان (مثل ظاهری آراسته، حسن خلق، متانت و خوشرویی با ارباب رجوع، منطقی بودن و ثبات در تصمیم گیری) در بهبود مناسبات خانه و مدرسه موثر است.

فرضیه ی دوم: از نظر آموزگاران مهارت های فنی مدیران مدارس ابتدایی در بهبود مناسبات بین خانه و مدرسه موثر است.

جدول ۲: نتایج آزمون χ^2 در ارتباط با فرض دوم پژوهش

<i>Sig.</i>	<i>df</i>	χ^2	جمع	خ. زیاد	زیاد	کم	خ. کم	گزینه	فراوانی
۰/۰۰۱	۳	۱۳۳/۹۵۳	۴۰۵	۱۶۴	۱۵۳	۵۸	۳۰		فراوانی
			۱۰۰	۴۰/۵	۳۷/۸	۱۴/۳	۷/۴		درصد

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود ۲۱/۷ درصد پاسخگویان تأثیر مهارت های فنی مدیران را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه خیلی کم و کم توصیف کرده اند در صورتی که ۷۸/۳ درصد آنان تأثیر این عامل را در بهبود مناسبات زیاد و خیلی زیاد ابراز نموده اند. نتایج آزمون بیانگر این است که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار است ($\chi^2=133/95$, $df=3$, $P<0.01$). بنابراین می توان گفت که از نظر آموزگاران مهارت های فنی مدیران مدارس ابتدایی استان (مثل آشنایی با امور اداری، تکمیل کادر اداری و آموزشی مدرسه قبل از سال تحصیلی تنظیم برنامه ی معلمین، واگذاری امور محوله به معلمین، نظارت بر امور مالی و برگزاری مستمر جلسات انجمن و اولیا) در بهبود مناسبات خانه و مدرسه موثر است.

فرضیه ی سوم: از نظر آموزگاران مهارت های انسانی مدیران مدارس ابتدایی در بهبود مناسبات بین خانه و مدرسه موثر است.

جدول ۳: نتایج آزمون χ^2 در ارتباط با فرض سوم پژوهش

Sig.	df	χ^2	جمع	خ. زیاد	زیاد	کم	خ. کم	گزینه	فراوانی
۰/۰۰۱	۳	۹۶/۰۸۶	۴۰۵	۱۵۷	۱۴۱	۶۹	۳۸	فراوانی	
			۱۰۰	۳۸/۷۷	۳۴/۸۱	۱۷/۰۴	۹/۳۸	درصد	

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود ۲۶/۴۴ درصد پاسخگویان تأثیر مهارت های انسانی مدیران را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه خیلی کم و کم توصیف نموده اند در صورتی که ۷۳/۵۸ درصد آنان تأثیر این عامل را در بهبود مناسبات زیاد و خیلی زیاد ابراز کرده اند. نتایج بیانگر این است که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار است ($P < ۰.۰۱$, $df=۳$, $\chi^2=۹۶/۰۸$). بنابراین می توان استنباط نمود که از نظر آموزگاران مهارت های انسانی مدیران مدارس ابتدایی استان (مثل احترام به اولیاء و پذیرفتن نظرات آنان، ایجاد فضای صمیمانه و بانشاط، انعطاف پذیری، بهبود و تسهیل روابط اولیاء و معلمین) در بهبود مناسبات خانه و مدرسه موثر است. فرضیه ی چهارم: از نظر آموزگاران مهارت های ادراکی مدیران مدارس ابتدایی استان و بلوچستان در بهبود مناسبات بین خانه و مدرسه موثر است.

جدول ۴: نتایج آزمون χ^2 در ارتباط با فرض چهارم پژوهش

Sig.	df	χ^2	جمع	خ. زیاد	زیاد	کم	خ. کم	گزینه	فراوانی
۰/۰۰۱	۳	۱۱۰/۱۵۱	۴۰۵	۱۶۳	۱۲۵	۹۸	۱۹	فراوانی	
			۱۰۰	۴۰/۲۵	۳۰/۸۶	۲۴/۲۰	۴/۶۹	درصد	

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود ۲۸/۸۹ درصد پاسخگویان تأثیر مهارت های ادراکی مدیران را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه خیلی کم و کم توصیف کرده اند در صورتی که ۷۱/۱۱ درصد آنان تأثیر این عامل را در بهبود مناسبات زیاد و خیلی زیاد ابراز

نموده اند. نتایج آزمون بیانگر این است که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار است ($\chi^2=110/18, df=3, P<0.01$). بنابراین می توان نتیجه گرفت که از نظر آموزگاران مهارت های ادراکی مدیران مدارس ابتدایی استان (مثل تشخیص اولویت ها، مساعدت جهت تأمین رفاه کارکنان، قدرت تجزیه و تحلیل و راه حل انجام کار، توزیع عادلانه امکانات آموزشگاه و درک انتظارات اولیاء) در بهبود مناسبات خانه و مدرسه مؤثر است.

۵. بحث

در خصوص فرضیه ی اول پژوهش که عبارت است از: «از نظر آموزگاران، ویژگی های شخصی مدیران مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان در بهبود و اصلاح مناسبات خانه و مدرسه مؤثر است» با متغیرهایی چون داشتن ظاهری آراسته، مشهور بودن به حُسن خلق، برخورد با ارباب رجوع با خوشرویی، ثبات در تصمیم گیری و رعایت عدالت در برخورد با افراد مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نشان داد که از نظر آموزگاران این عوامل به احتمال ۹۹٪ در بهبود رابطه ی خانه و مدرسه تأثیرگذار می باشند. یعنی این که پاسخگویان با هر مدرکی و سابقه ی کاری، تأثیر این عوامل را در بهبود مناسبات خانه و مدرسه یکسان، مؤثر می دانند. نتایج این فرضیه با پژوهش هایی که توسط صمدی (۱۳۷۳)، پرتل (۱۹۷۵) و تسکافن موران (۲۰۰۰)، انجام گرفته، مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه ی دوم پژوهش که عبارت است از: «از نظر آموزگاران مهارت های فنی مدیران مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان در بهبود و اصلاح مناسبات خانه و مدرسه مؤثر است» با متغیرهایی چون آشنایی مدیر با امور اداری مدرسه، نظارت صحیح بر امور مالی، ارتباط آموزگاران با اولیاء را جزء وظایف حرفه ای داشتن، آگاه کردن اولیاء بطور مستمر از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، تشکیل کارگاه های آموزشی، تصریح اهداف آموزشی، اختصاص دادن وقت کافی برای حل مشکلات رفتاری و اخلاقی شاگردان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که از نظر آموزگاران این عوامل به احتمال ۹۹٪ در بهبود رابطه ی خانه و مدرسه تأثیرگذار هستند. نتایج این فرضیه با پژوهش هایی که توسط منصور استخری (۱۳۵۰)، پرتل (۱۹۷۵) و الحامد (۱۹۸۷) انجام گرفته است، نیز تأیید می گردد.

فرضیه‌ی سوم پژوهش که عبارت است از: «از نظر آموزگاران مهارت‌های انسانی مدیران مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان در بهبود و اصلاح مناسبات خانه و مدرسه مؤثر است» با متغیرهایی چون مهارت خوب گوش دادن، فراهم کردن فرصت کافی جهت کار گروهی و مشارکت کارکنان، مساعدت جهت تأمین رفاه آموزگاران، احترام گذاشتن به اولیاء، داشتن روحیه‌ی انعطاف‌پذیری، زمینه‌های بهبود روابط اولیاء و آموزگاران را فراهم کردن و فراهم کردن موجبات احترام متقابل همکاران، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که از نظر آموزگاران این عوامل به احتمال ۹۹٪ در بهبود رابطه‌ی خانه و مدرسه مؤثر است. همچنین نتایج این فرضیه با پژوهشی که توسط پرتل (۱۹۷۵) انجام گرفته مورد تأیید واقع شد.

فرضیه‌ی چهارم پژوهش که عبارت است از: «از نظر آموزگاران مهارت‌های ادراکی مدیران مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان در بهبود و اصلاح مناسبات خانه و مدرسه مؤثر است» با متغیرهایی چون تشخیص مشکلات و مسائلی که باید در اولویت قرار گیرد، مشارکت اولیاء در تصمیم‌گیری‌ها به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار، داشتن قدرت تجزیه و تحلیل راه حل‌های انجام کار، اهمیت قائل شدن به جلسات اولیاء با آموزگاران، در همه تصمیم‌گیری‌ها مشکلات والدین را مدنظر قرار دادن و انتظارات آموزگاران را از مدیریت مدرسه درک کردن، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که از نظر آموزگاران این عوامل به احتمال ۹۹٪ در بهبود رابطه‌ی خانه و مدرسه مؤثر است. نتایج این فرضیه با پژوهش‌هایی که توسط صمدی (۱۳۷۳) و پرتل (۱۹۷۸) انجام شده، مورد تأیید قرار گرفت. همچنین رستافوند (۱۹۸۶)، صمدی (۱۳۷۳) و پرتل (۱۹۷۸) در پژوهش‌هایشان نقش مدیر را در بهبود رابطه‌ی خانه و مدرسه مهم تلقی کرده‌اند.

از نظر آموزگاران بنابراین ویژگی‌های شخصی، مهارت‌های فنی، مهارت‌های انسانی و ارزشی مدیر در اصلاح رابطه‌ی خانه و مدرسه تأثیر دارد. از آنجایی که آموزگاران نقش مؤثری در ارتباط خانه و مدرسه دارند آگاهی از نظر آنها می‌تواند به بهبود این رابطه کمک

کند. یعنی مدیران می توانند با رعایت این ویژگی ها، زمینه ی بهبود روابط خانه و مدرسه حداقل از جانب معلم را فراهم کنند.



منابع

- ۱- بازرگان، ز. (۱۳۷۶). *مدرسه های دیگر*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- ۲- دلاور، ع. (۱۳۶۸). *روش های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات پیام نور.
- ۳- سعیدی، ل. (۱۳۸۰). *بررسی راههای فعال نمودن انجمن اولیاء و مربیان بر اساس نظرات اولیاء، دبیران و مدیران دبیرستان های شهر اصفهان*. پایان نامه: مرکز مدیریت دولتی.
- ۴- سلیمی، ق. (۱۳۷۰). *مقدماتی بر روش تحقیق در علوم تربیتی*. اصفهان: انتشارات بعثت.
- ۵- سجاعتی، غلام (۱۳۷۵). *بررسی میزان به کارگیری اهداف انجمن های اولیاء و مربیان از دیدگاه مدیران، اولیاء و مربیان در مدارس متوسطه شهر بهبهان*. پایان نامه: دانشگاه اصفهان.
- ۶- علی نقی پور، ف. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه بین اعتماد حاکم بر دبیرستان های شهر کاشان با میزان همکاری ایران، والدین و دانش آموزان*. پایان نامه: دانشگاه اصفهان.
- ۷- مهدیانی خطبه سرا، ا. (۱۳۸۲). *بررسی راههای افزایش مشارکت والدین در رفع مشکلات آموزش و پرورش دوره ی ابتدایی استان گیلان*. پژوهش: آموزش و پرورش گیلان.
- ۸- هرسی، پ. و بلانچارد، ک. (۱۳۷۱). *مدیریت رفتار سازمانی*. ترجمه کبیری، ق. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- هوشمند، م. (۱۳۸۳). *رابطه ی خانه و مدرسه تعاملی دیگر*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

10- Moñammad, A. (1987). *Home and school co operation as percieved by elementary*. Michigan State University.

11- Jonsor, C. (1997). *Home and school co operation: impontance of coopration among stuents, parents and teachers*. Komia University.

12- Werich, H, and Koontz, H. (1994) "Management" a global prespect:ve. Mc Grow Hill iNc.